



● محمد مهاجر  
تهیه کننده ارشد نمایش رادیویی

# فضا سازی نمایش رادیویی

مقدمه:

از به ارتعاش درآوردن هر جسم یا شیء قابل ارتعاش، صوت یا صدا ایجاد می شود؛ بدین صورت که امواج حاصل از ارتعاش، محیط اطراف را تحت تأثیر قرار می دهد که این محیط می تواند هوا باشد یا آب و یا جامدات. پس اصوات برای شنیده شدن، نیاز به محیط مادی یا مایع یا گازی دارند. بنابراین در خلأ صدایی شنیده نمی شود. هر موج نوساناتی دارد. تعداد نوسانات را در یک ثانیه «فرکانس» آن موج می گویند. انسان قادر به شنیدن اصواتی است که فرکانس آنها بین ۱۶ تا ۱۶/۰۰۰ هرتز باشد. البته حد شنوایی انسان در صورت سلامت و جوانی گوش های او، تا ۲۰/۰۰۰ هرتز هم می رسد. اصوات بالاتر از ۲۰/۰۰۰ هرتز را «مافوق

صوت» می گویند. بعضی از حیوانات قادر به تشخیص محدود ها از مافوق صوت هستند؛ مثلاً گاو تا ۱۵۰/۰۰۰ هرتز را می تواند بشنود.

فرستنده های رادیویی، امواج تولیدشده بر اثر ارتعاش اجسام (اصوات) را به اطراف منتشر می کنند، این امواج توسط آنتن های دستگاه های گیرنده (رادیوها) دریافت می شود. پس ارتباط رادیویی ارتباطی است بی سیم و متکی به صدا

حال، نگاهی بیندازیم به منابع تولید صدا: صدا یا ناشی از طبیعت جاندار است، یا برآمده از طبیعت بی جان. صدای ناشی از طبیعت جاندار دو حالت دارد:

یا از انسان است یا از حیوان. صدای انسان هم دو حالت

دارد: یا به صورت کلام است، یا تنها صوت است. منظور از «کلام» همان زبان شنیداری است. در واقع، زبان مجموعه‌ای از صداست، نه حرف<sup>۲</sup>. صوت تنهای انسان هم دو حالت دارد: یا موزون است و مطبوع که به آن «موسیقایی» (Vocal) می‌گوییم، مثل چه‌چه زدن یک آوازخوان ایرانی (این صوت، صوت مرکب است؛ یعنی حنجره انسان صوت مرکب تولید می‌کند)؛ یا نه موزون است و نه مطبوع که در رادیو به آن «ساوند افکت» (Sound Effect) یا به‌طور مختصر «افکت» می‌گوییم، مثل خنده، گریه، سرفه، عطسه، جیغ و... صدای حیوان هم در رده افکت جای دارد؛ حتی صدای موزون و مطبوع بعضی از حیوانات، مثل بلبل، قناری و...

اما صدای طبیعت بی‌جان که به همه آنها افکت می‌گوییم؛ این صدا هم دو حالت دارد: یا متعلق است به پدیده‌های جوی و طبیعی، مثل باد و باران و دریا و رعد و...؛ یا صرفاً صدای ناشی از به ارتعاش درآمدن اشیاء است. این نوع صدای اخیر هم دو حالت دارد: یا ارتعاشات منظمی ندارد، مثل صدای در، صدای پا، صدای گلوله، صدای شکستن و...؛ یا ارتعاش منظم دارد،

برنامه‌سازان رادیو از ابزار صدا برای ساختن برنامه استفاده می‌کنند. آنها از این طریق در مخاطبانشان سه اثر روانی ایجاد می‌کنند: «تفکر، تعقل و تخیل» «سه تا ت» «تفکر» یعنی تجزیه و تحلیل پدیده‌ها؛ «تعقل» به معنای تدبیر و به‌کارگیری تفکر در برخورد با پدیده‌هاست؛ و «تخیل» تکیه بر وهم و گمان و ورود به سرزمین خیال و تصور و تصویر است. هر برنامه رادیویی، به نسبت‌های مختلف، از این سه فاکتور و برانگیختن یا ایجاد آنها بهره می‌برد. در اینجا نیز تنها نمایش است که از این سه عامل به‌بیشترین نسبت و بهترین شکل بهره می‌برد. بنابراین، فرم نمایش در رادیو، جذاب‌ترین و کامل‌ترین، و ساختن آن مشکل‌ترین نوع برنامه رادیویی است.

نمایش رادیویی صرفاً ردوبدل کردن دیالوگ نیست؛ همین‌طور استفاده از افکت در برنامه، آن را نمایش نمی‌کند؛ ترکیب دیالوگ و افکت و موسیقی هم به‌تنهایی نمایش نیست؛ نمایش رادیویی را می‌توان مجموعه‌ای از دیالوگ، افکت و موسیقی دانست که در بافتی ارگانیکی، با هم، با تکیه بر اصول و قواعد خاص و با تمی مشخص و هدفی معین ترکیب یافته‌اند.

**برنامه‌های رادیو متکی است به صدا یا نبود صدا (سکوت). صدا در رادیو در هر سه فرم: «کلام، موسیقی و افکت» مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ولی تنها در فرم نمایش است که این سه نوع صدا به‌بهترین شکل مورد استفاده قرار می‌گیرند - و همین‌طور «سکوت».**



ولی این ارتعاش، مطبوع نیست، مثل صدای قطار، صدای ساعت، صدای کارخانه و...

اگر صدای ناشی از ارتعاش اشیاء، موزون، منظم و مطبوع باشد، آن را صوت «موسیقایی» (Tone) می‌گوییم؛ مثل صدای ناشی از ضربه‌زدن به روی یک شستی (کلاویه) پیانو که یک نت را ایجاد می‌کند. از مجموع نت‌ها، ملودی و ریتم، و در نهایت «موسیقی» به‌وجود می‌آید که تابع اصول و قواعد خاص خودش است. در واقع، می‌توان گفت موسیقی، هنری است که از تنظیم و ترکیب اصوات موسیقایی به‌وجود می‌آید. اصوات موسیقایی هم فرکانسی کمتر از ۲۰/۰۰۰ هرتز دارند؛ مثلاً ارتعاش اصوات پیانو بین ۲۷ تا ۴۰۹۶ هرتز است<sup>۳</sup>.

برنامه‌های رادیو متکی است به صدا یا نبود صدا (سکوت). صدا در رادیو در هر سه فرم: «کلام، موسیقی و افکت» مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ ولی تنها در فرم نمایش است که این سه نوع صدا به‌بهترین شکل مورد استفاده قرار می‌گیرند - و همین‌طور «سکوت».

بنابراین، نمایش رادیویی متکی است بر متن (نمایشنامه)، بازی بازیگران (کلام)، افکت و موسیقی.

نمایش رادیویی را یا نمایشنامه‌نویس می‌نویسد و یا منبع آن، رمان، قصه و یا افسانه‌ای دیگر است که چند حالت دارد: الف: نمایش برای صحنه، تلویزیون یا سینماست؛ اگر نمایش در اصل برای صحنه یا تلویزیون یا سینما نوشته شده باشد، شرط اصلی، یعنی نمایش بودن را داراست؛ اما نمایشی است برای دیدن، نه برای شنیدن. در این حالت، برای آنکه این‌گونه نمایش، یعنی نمایش دیداری، به شنیداری تبدیل شود و در واقع بتواند از رادیو (یعنی از طریق شنیدن) دیده و تجسم شود، به شخصی نیاز است که به او «تنظیم‌کننده» می‌گوییم. تنظیم‌کننده، نمایش دیداری را به نمایش شنیداری تبدیل می‌کند؛ یعنی رویدادهای دیدنی یا حرکات نمایشی دیدنی را به تصاویر ذهنی برمی‌گرداند. فضاسازی در نمایش دیداری به‌گونه‌ای طراحی شده که در بافت آن تنیده شده و نمی‌توان در آن دخل و تصرف کرد؛ چرا که در آن صورت، به کل اثر و ماهیت و

کارگردانی ایشان: فضای نمایش درون اتومبیلی می‌گذرد، از مبدأ تا مقصد. بیشترین زمان نمایش در این فاصله است. حرکت، نبض نمایش است، ولی می‌تواند الزاماً اتومبیل نباشد. در ضبط رادیویی، اتومبیل را به «قطار» تبدیل کردیم؛ به‌دو دلیل: اول اینکه فضا برای تحرک پرسوناژها (بچه‌ها و پدر و مادر) بازتر و راحت‌تر بود، و دوم اینکه امکان عملی کردن این مسافرت به‌وسیله قطار بیش از اتومبیل بود (توقف‌ها، بنزین‌زدن‌ها و...). در این حالت، حرکت از نمایش حذف نشد؛ بلکه تجسم آن تغییر یافت، بدون آنکه خدشه‌ای به اصل و محتوای نمایش وارد شود. بعد از بررسی نقش متن (و نویسنده و تنظیم‌کننده) در فضا سازی نمایش- و قبل از بررسی نقش بازی (بازیگر) در فضا سازی- نظری می‌اندازیم به افکت‌گذاری در نمایش:

**برنامه‌سازان رادیو از ابزار صدا برای ساختن برنامه استفاده می‌کنند. آنها از این طریق در مخاطبان‌شان سه اثر روانی ایجاد می‌کنند: «تفکر، تعقل و تخیل» . «تفکر» یعنی تجزیه و تحلیل پدیده‌ها؛ «تعقل» به معنای تدبیر و به‌کارگیری تفکر در برخورد با پدیده‌هاست؛ و «تخیل» تکیه بر وهم و گمان و ورود به سرزمین خیال و تصور و تصویر است.**

در برگردان دیدنی‌ها به شنیدنی‌ها، از افکت استفاده می‌شود. غیر از این مورد، گاه از افکت برای رنگ‌آمیزی و یا فرار از یکنواختی و تخت بودن نمایش استفاده می‌شود و گاه برای تأثیرگذاری بیشتر بر روی مخاطب و تشدید اثر حس برآمده از بازی (بازیگر). در عین حال، گاه نمایشی ایجاد می‌کند که هیچ‌گونه افکت و صدای اضافی، صدای بازیگر را مخدوش یا کم‌اثر نکند؛ یعنی باید صدای بازیگر در خلوص خود جلوه یابد و سردی فضا نباید شکسته شود؛ بنابراین، در آن از افکت استفاده نمی‌شود.

#### نقش بازی (بازیگر) در فضا سازی

بخشی از فضا سازی در نمایش رادیویی به عهده بازی (بازیگر) است. بازیگر ماهر و شایسته، به‌راهنمایی و هدایت کارگردان، از دو طریق فضا سازی می‌کند:

محتوای آن خدشه وارد می‌شود. به‌عنوان مثال، نمایش باغ‌آلبالو را در نظر می‌گیریم. چخوف در اغلب آثارش، و همین‌طور در باغ‌آلبالو، نگاهی دارد به اشرافیت زمین‌دار و افول دوره آنها. فضای نمایشی این آثار به‌گونه‌ای است که اغلب رویدادها و کنش‌ها و واکنش‌ها در فضای آزاد (باغ، مزرعه و...) به‌وقوع می‌پیوندد؛ برخلاف نمایش‌های عصر بورژوازی (سرمایه‌داری) که مکان رویدادها در شهر، خانه‌ها و محیط‌های در بسته است. دیالوگ‌ها هم دقیقاً در ارتباط ارگانیک با این فضا هستند. در نتیجه نمی‌توان در این فضا سازی (باغ، مزرعه، صدای طبیعت و...) دخالت کرد و آن را مثلاً به داخل خانه برد. در این‌گونه نمایش‌ها دری باز و بسته نمی‌شود، پرسوناژها (شخصیت‌ها) می‌آیند کلام خود را می‌گویند و حرکت نمایشی خود را به نمایش می‌گذارند و می‌روند، و این رفت‌وآمدها بدون در زدن و باز کردن در و اجازه گرفتن و حتی در اغلب موارد بدون سلام و خداحافظی است. نمونه دیگر، برخی از آثار اکبر رادی است که نگاهی دارد به زوال نظام ارباب و رعیتی، مثل افول. در این نمایش هم همه رویدادها و گفت‌وگوها در فضای باز جلوی خانه اربابی «عماد» انجام می‌گیرد، حتی جشن. دری باز و بسته نمی‌شود؛ در همه مدت صدای طبیعت را می‌شنویم؛ دکتر، معلم و... از این فضا یا عبور می‌کنند یا در آن حضور می‌یابند و دیالوگ خود را می‌گویند و می‌روند. این فضا را نمی‌توان تغییر داد و آن را به محیط بسته‌ای منتقل کرد؛ چون در آن صورت، غیر از آنکه مفهوم درونی نمایش، یعنی «ارباب» بودن و باز بودن در خانه و رفت‌وآمد افراد متعدد - که مختص این‌گونه اشخاص است - مخدوش می‌شود، دیالوگ‌هایی هم که در کنار رویداد اصلی ردوبدل می‌شود، حذف می‌گردد.

ب: نمایش به فرم کاملاً رادیویی یعنی در آن «المان‌ها» یا فاکتورهای رادیویی کاملاً مورد نظر قرار گرفته و فضا سازی رادیویی مورد توجه بوده است. در این حالت، وظیفه همه عوامل نمایش، اعم از کارگردان، بازیگر، صدابردار، افکتور و بلاخره تهیه‌کننده، این است که آن را طابق النعل بالنعل طبق دستورالعمل نمایش، اجرا و تهیه کنند. نمونه کامل این‌گونه نمایش‌ها آثار گوتتر آیش (زابت، دختران و تیربو و...) یا نمایش‌های همزاد و عملیات وگا، اثر فردریک دورنمات، یا راهب و راهزن هاینریش بل، یا ریپ وان وینکل، اثر ماکس فریش است.

ج: منبع نمایش رادیویی، رمان، قصه یا افسانه است: در این صورت، وظیفه تنظیم‌کننده مفصل‌تر است. او علاوه بر شنیداری کردن همه حرکات و فضاهای دیداری، می‌باید دیالوگ هم بنویسد؛ یا در واقع، روایت‌ها و صحبت‌ها را «دیالوگ» کند. فضا سازی در این‌گونه نمایش‌ها، در مرحله نخست به‌وسیله تنظیم‌کننده ارائه می‌شود؛ ولی این الزاماً صورت نهائی نیست و می‌توان در آن دخل و تصرف کرد. مثلاً نمایش از میان مه و دود، نوشته سونیا سانچز، با تنظیم دکتر کمال‌الدین شفیعی و همین‌طور

### با کلام و با افکت.

الف: استفاده از کلام برای فضا سازی، شمشیری دولبه است. استفاده نامعقول از آن، باعث مرگ نمایش رادیویی می‌شود. در گذشته و قبل از آنکه نمایش در ذهن و تخیل شنوندگان جای خود را تثبیت کند، بازیگران به هدایت نویسنده یا تنظیم‌کننده، حرکات خود یا پرسوناژهای دیگر را از طریق کلمات نشان می‌دادند. در دوره تکامل نمایش رادیویی، این وظیفه از دوش کلام برداشته شد و به طرق دیگر و با بهره‌گیری از تخیل شنونده، به حرکات نمایشی تجسم بخشیده شد و کلام به گونه‌ای نوشته شد که در درون خود، حرکت را هم منعکس کند. در واقع، کلام، هر چه بیشتر، نمایشی شد.

ب: بازیگر غیر از کلام، می‌تواند از طریق افکت فضا سازی کند: سرفه، خنده، گریه، جیغ و... یا حس بلند شدن، نشستن، خوردن و...

غیر از موارد مذکور (کلام و افکت)، بازیگر از طریق ارتفاع صدا (بالا و پایین بردن شدت صدا) هم می‌تواند فضا سازی کند. پیچ و نجوا کردن یا بالا بردن صدای خود در کنار دریا یا در میان طوفان و...

### فضا سازی به وسیله افکت

شرط استفاده از افکت در رادیو، خصوصاً در نمایش رادیویی، ساده، روشن، واضح و شناخته شده بودن آن است. مخاطب را نباید گیج و سردرگم کرد، به طوری که ذهنش از اصل نمایش منحرف شود.

افکت یا سراسری است، به این معنا که در سراسر صحنه از آن به عنوان زمینه و فضا استفاده می‌شود (مثل شب، خیابان، باغ و...)؛ یا لحظه‌ای است (مثل شکستن، گلوله، در و...).

افکت یا صدای واقعی است (مثل صدای دریا، شب، پارک، خیابان و...)، یا ساختگی (مثل گلوله، صدای پا روی برف یا برگ و...)، چنانچه ساختگی باشد، یا در استودیو به وسیله افکتور (و بازیگران) تولید می‌شود (مثل در، راه رفتن، لباس پوشیدن، نشستن، برخاستن و...)؛ یا به وسیله تهیه‌کننده، از سی دی یا نوار و احتمالاً کامپیوتر در اتاق فرمان استفاده می‌شود. وسائل و دستگاه‌هایی هم ساخته شده‌اند که اغلب افکت‌ها را می‌توان با آنها تولید کرد؛ مثل صدای باران، گلوله، رعد، صدای پای اسب و...

### فضا سازی به وسیله موسیقی

هر نمایش، تم مشخص، دوره خاص، و ملیت خاص و در عین حال ژانر خاصی دارد (پلیسی، حماسی، جنگی و...)، برای هریک از این موارد، تهیه‌کننده باید از طریق مطالعه دقیق نمایش و شناخت فضا، مکان، دوره و...، و با تکیه بر شناختی

که از انواع موسیقی دارد، موسیقی مناسب و مدت زمان استفاده از آن را تعیین کند. موسیقی علاوه بر نمود زمان و مکان و دوره (فضای تاریخی)، می‌تواند از طریق تشدید حس ایجاد شده در شنونده هم در فضا سازی شرکت کند؛ مثلاً تشدید حس ترس، غم، شادی، هیجان و...

علاوه بر بازی، کلام، افکت و موسیقی، سکوت نیز در نمایش رادیویی و فضا سازی آن، می‌تواند نقش مهمی بازی کند. شرط استفاده از سکوت، این است که مدت زمان آن دقیقاً محاسبه شود. این اندازه‌گیری هم تنها بر اثر تجربه امکان پذیر است. در سکوت نمایشی (سکوتی که کلام یا بازی در آن نیست)، تخیل شنونده و همین‌طور تفکر او به اوج می‌رسد. سکوت هم، تنها در نمایش است که کاربرد واقعی خود را پیدا می‌کند.

در فضا سازی، علاوه بر نویسنده (متن)، بازیگر (بازی)، تهیه‌کننده (افکت و موسیقی) و افکتور، صدابردار هم نقش فعالی دارد. در واقع، صدابردار، دستیار فنی تهیه‌کننده است. او در عین حال، با فکر و ذوق تربیت شده‌اش، به تهیه‌کننده پیشنهاد می‌کند؛ پیشنهادهایی که فضا سازی را هر چه کامل تر و منطقی تر می‌نماید. برای عملی کردن خواست‌های تهیه‌کننده، این صدابردار نمایش است که با تخصص و تجربه‌اش و با استفاده صحیح از وسائل و ابزار فنی (میکروفون، دستگاه اکو، ضبط‌ها و بلاخره میز صدا) به او کمک می‌کند. ایجاد پرسپکتیو صدا، ترکیب و تناسب صداها (کلام بازیگر، افکت و موسیقی)، تجسم فضاهای خاص (قصر، چاه، فضا و...) یا دفرمه و تغییر شکل دادن صداها (بازیگر، افکت و موسیقی) از اهم وظایف صدابردار نمایش است. صدابردار نمایش علاوه بر تبحر و مهارت در استفاده از امکانات صدابرداری، می‌باید شناخت معقولی هم از نمایش داشته باشد تا بتواند کمک مؤثری در فضا سازی باشد. ۴

### پی نوشت:

-هرتز، دانشمند آلمانی است که توانست فرکانس امواج را اندازه‌گیری کند و به افتخار او واحد سنجش فرکانس را هرتز نام گذاردند.

-برای اطلاعات بیشتر درباره زبان شنیداری، رک: هال، رابرت اندرسون (۱۳۸۰) زبان و زبان‌شناسی، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی

-برای کسب اطلاعات بیشتر رک: برنشتاین، لئونارد (۱۳۸۵) تجزیه و تحلیل موسیقی برای جوانان، ترجمه مصطفی کمال پورتراب، تهران: نشر چشمه؛ و راهگانی، روح‌انگیز (۱۳۷۵) تاریخ موسیقی ایران، تهران: انتشارات پیشرو.

-برای استفاده و کسب اطلاعات بیشتر در مورد فضا سازی در نمایش رادیویی، می‌توان به کتاب سیری در نمایش رادیو، تحقیق و گردآوری نگارنده، رجوع کرد

